

SAVAGE AVENGEURS



دورنامه

dorname.ir

کاری از: کیوان داوند

خوش آمدید.
من کولان گات هستم.
خدمتگذار شما.

باید مسافر تتون
شما رو خسته و گرسنه
کرده باشه ژواتون لاو.

کل این
سیاره پیشکش
شماست. و اگر خوشتون
اومد، ما می تونیم به
میزبان شما ملحق بشیم
و کیهان رو درنوردیم.

اون چیز
همین الان
می میره!

AAUGR
ROOOW!



کونان توسط کولان گات مورد
حمله قرار گرفت و حتماً می‌مرد
اگره بخاطر دخالت شخصی خاص
نبود...



لعنتی!

وودوو،
بگو ببینم به چیزی
رسیدی؟

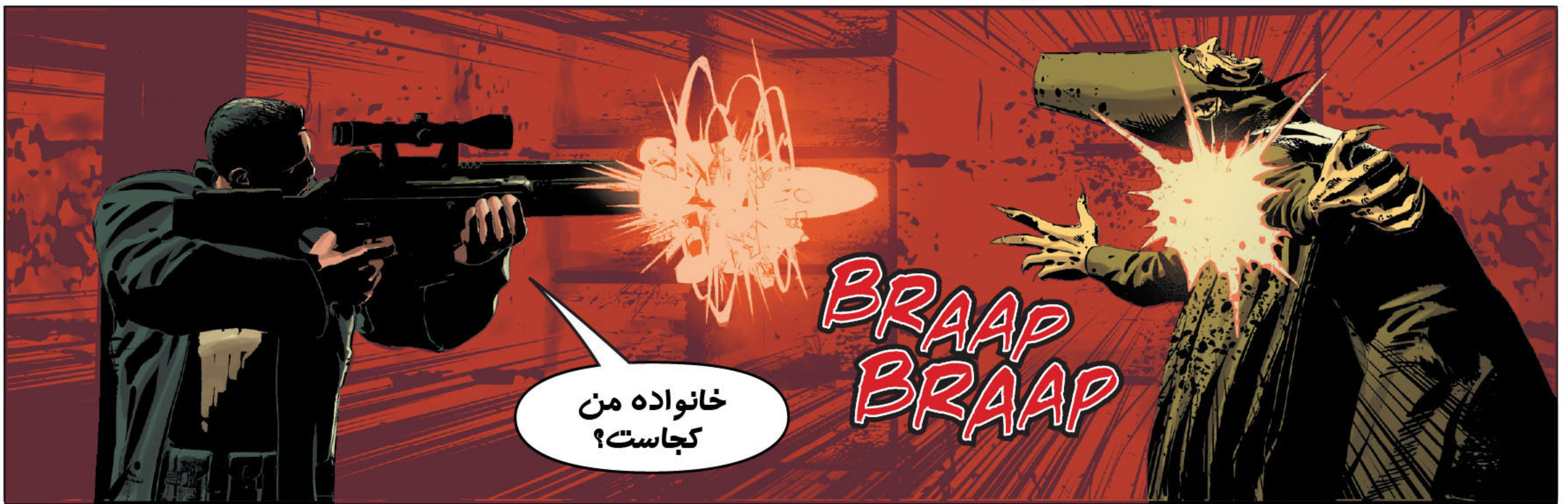
فعلاً نه
ولی دارم روش
کار می‌کنم.

روی جادوگر
تمرکز کن تا
بفهمیم رو چی داریم
کار می‌کنیم.



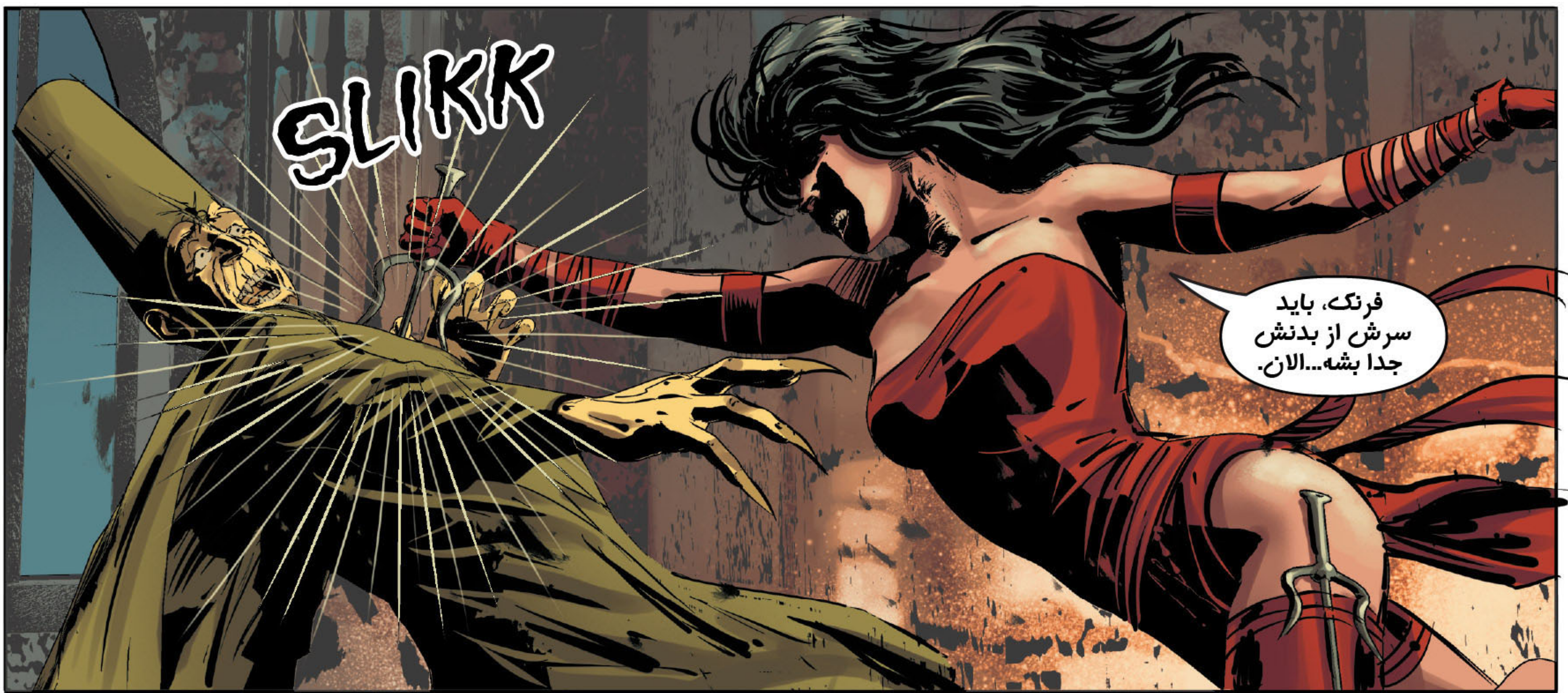
نابودی
تو به دست
منه!

صدایی که در سر
کونان پیچیده، تنها می تواند
صدای خدای او باشد که از
قله کوهی سر نجوا می کند.



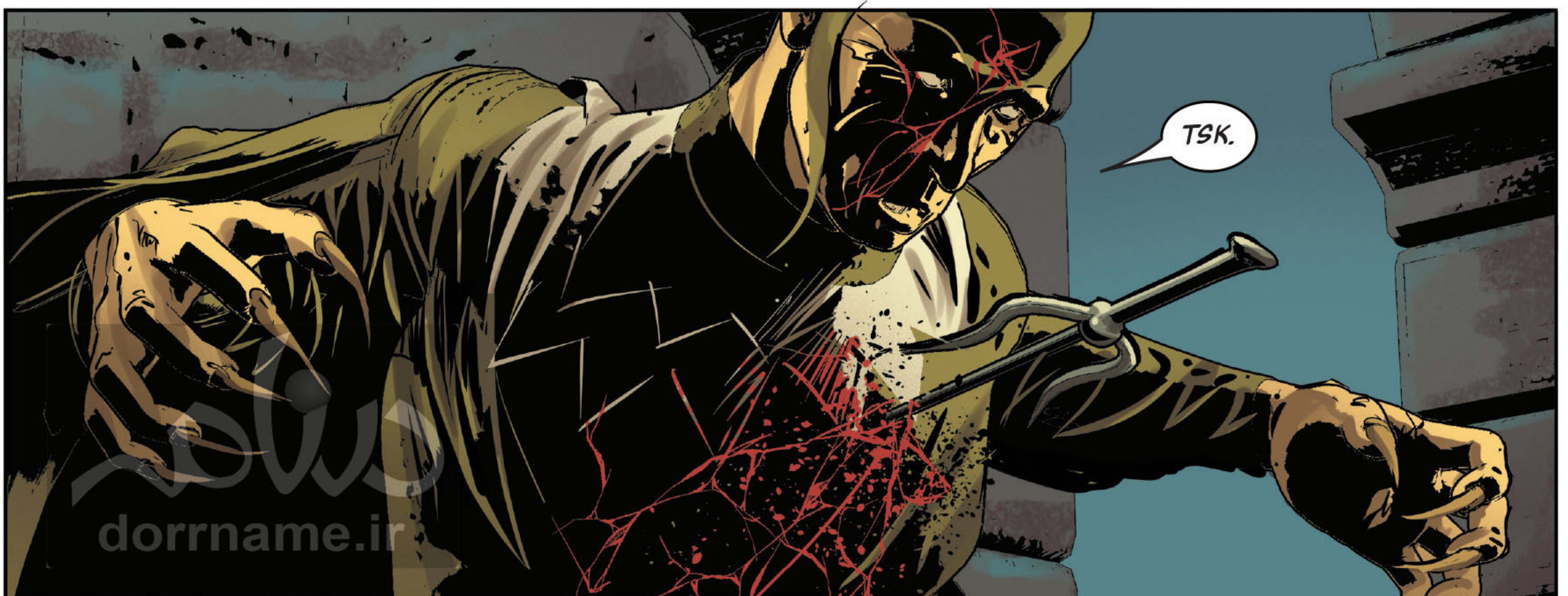
خانواده من
کجاست؟

**BRAAP
BRAAP**



SLIKK

فرنگه، باید
سرش از بدنش
جدا بشه... الان.



TSK.



روشن های ابتدایی
تو نمی تونه منو بکشه
الکترا ناچیوس.



تو یه
زمانی ابزار دست
قائم مقام بودی.



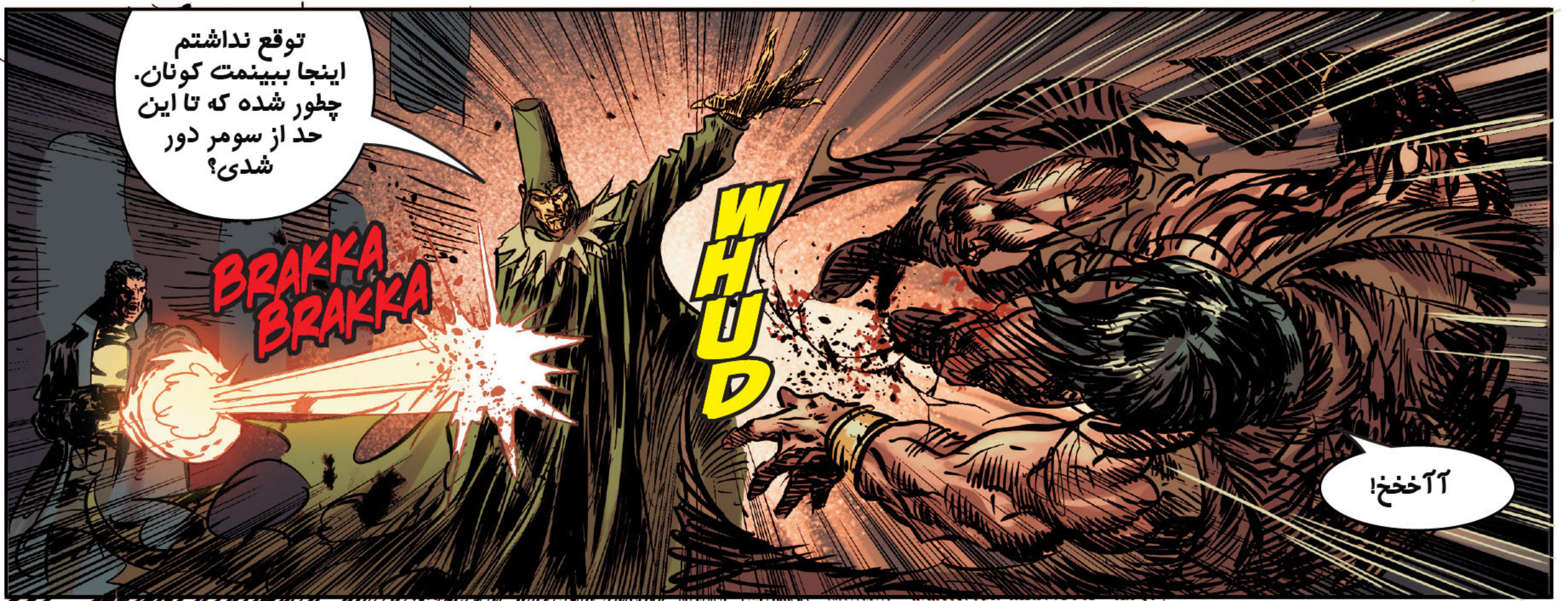
بمیر و
دوباره به
ما بپیوندا!



نه!

KLANG

دورنام
dorname.ir

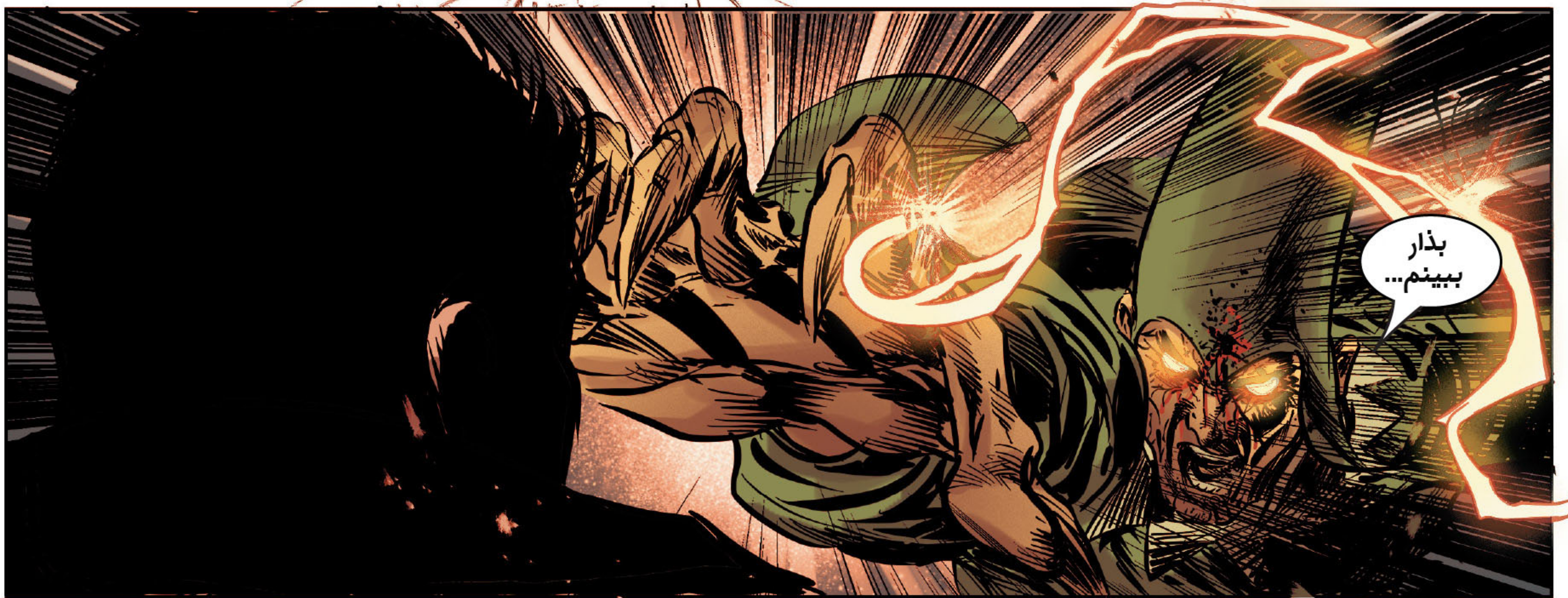


توقع نداشتم
اینجا ببینمت کونان.
چطور شده که تا این
حد از سومر دور
شدی؟

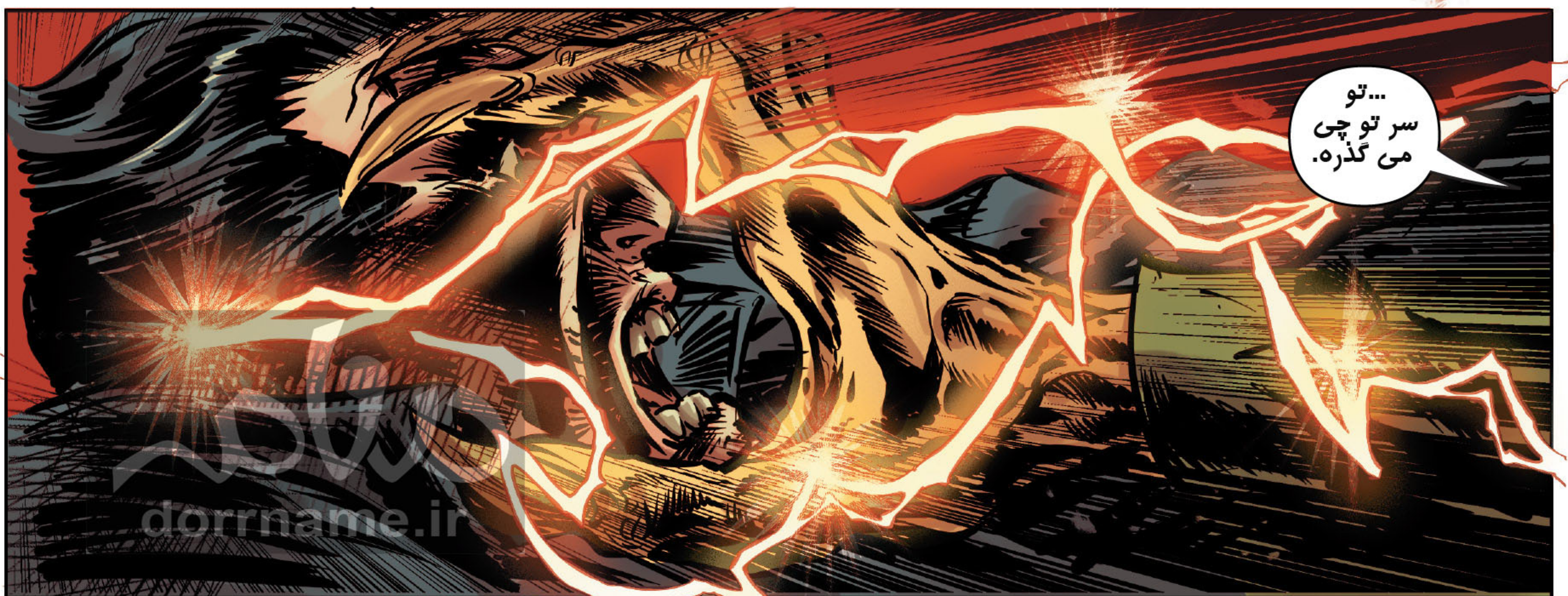
آآخخ!



اگه
حرف نمی زنی
مجبورم جواب
رو از دهننت
بکشم
بیرون.
و تو.
مرد زن مرده.
خیلی داری موی
دماغ می شی.



بذار
ببینم...



...تو
سر تو چی
می گذره.

HEH...

HAHA!

HAHAHAHAHAHAHAHAHA!

کسل،
وقتی صدای اسلحه ها
رو شنیدی، پشت زنت
پنهان شدی؟

غریزه به
جنگجو، مخفی
شدن .



البته
که نه.

باید فکرشو
می کردم. از
شدت درد روتو
برگردوندی.



و حالا
خدای بزرگ
و مخوف مغز
استخوان.

به ضیافت
خوش اومدی.

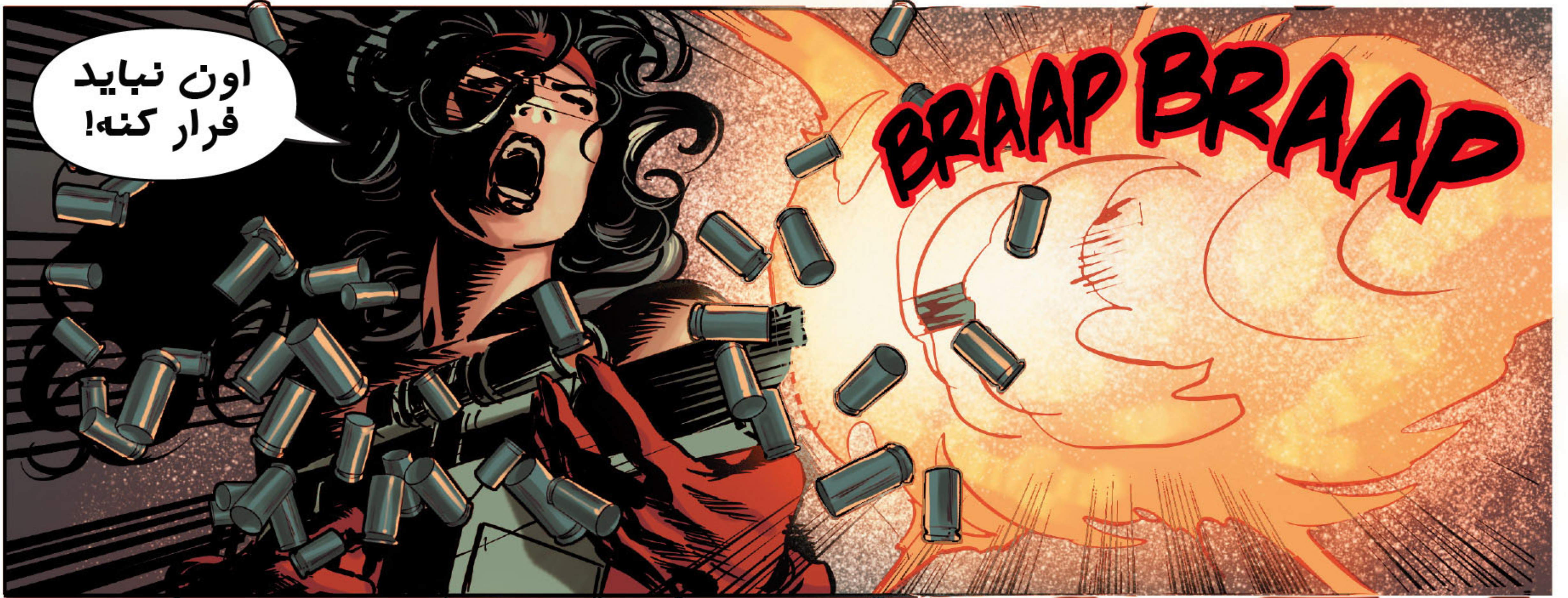


حالا
ما رو...

...از شر
یکی از شهرهایی
که این انسان ها خیلی
بهش افتخار می کنند
خلاص کن.



اون تو
بده به من
پانیشر.



اون نباید
فرار کنه!

BRAAP BRAAP



باید این
هیولای
نفرین شده
رو بکشم!



آه.
خیلی
خسته شدم.
باید یه کم
استراحت کنم.



هی!
پیرمرد!



من می دونم
از اون هیولایی که احضار
کردی نمی ترسی.



چه بازی ای
تو سر ته؟



می خوام ببینم
سیستم دفاعی این
سیستم تا چه حدیه.



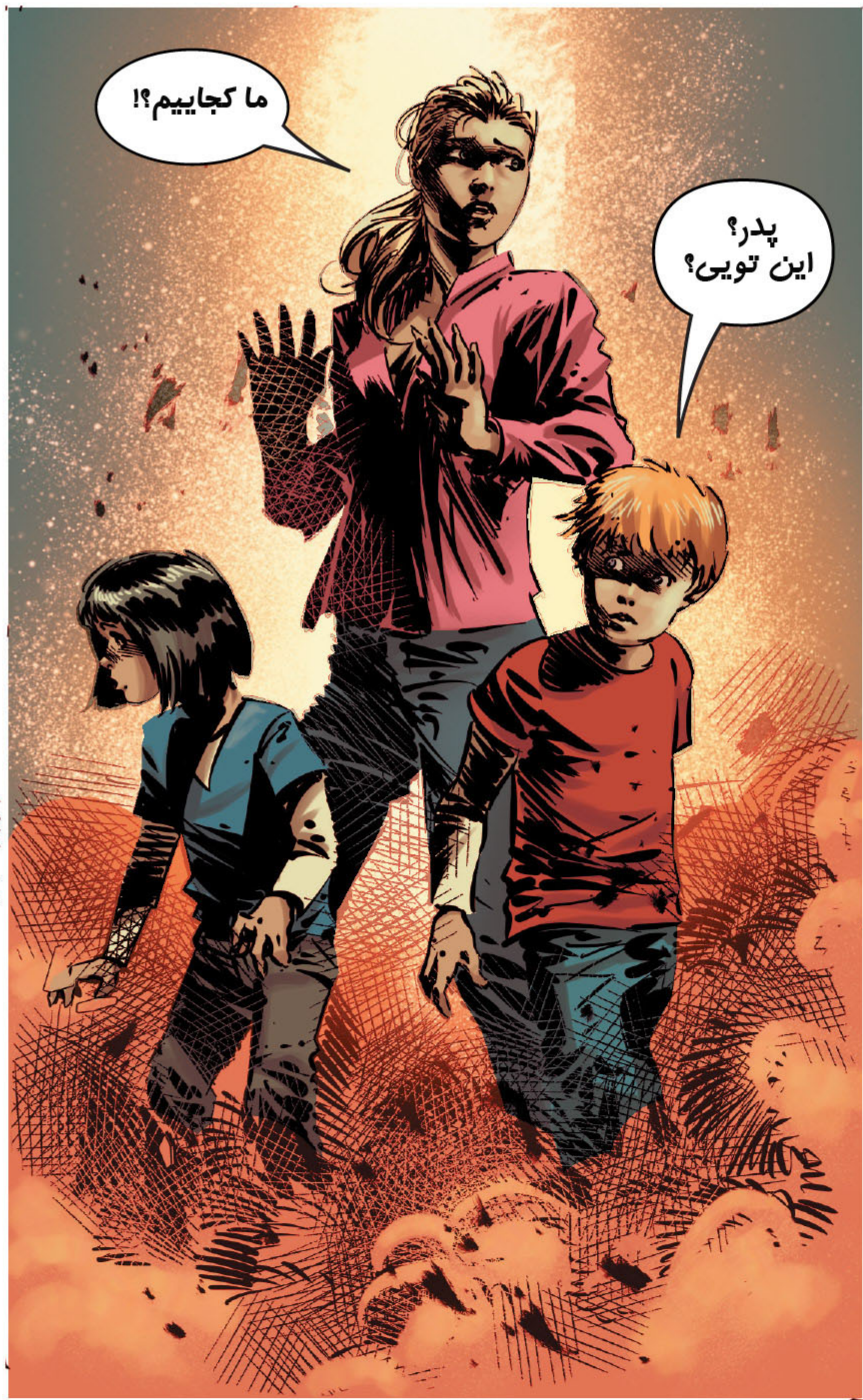
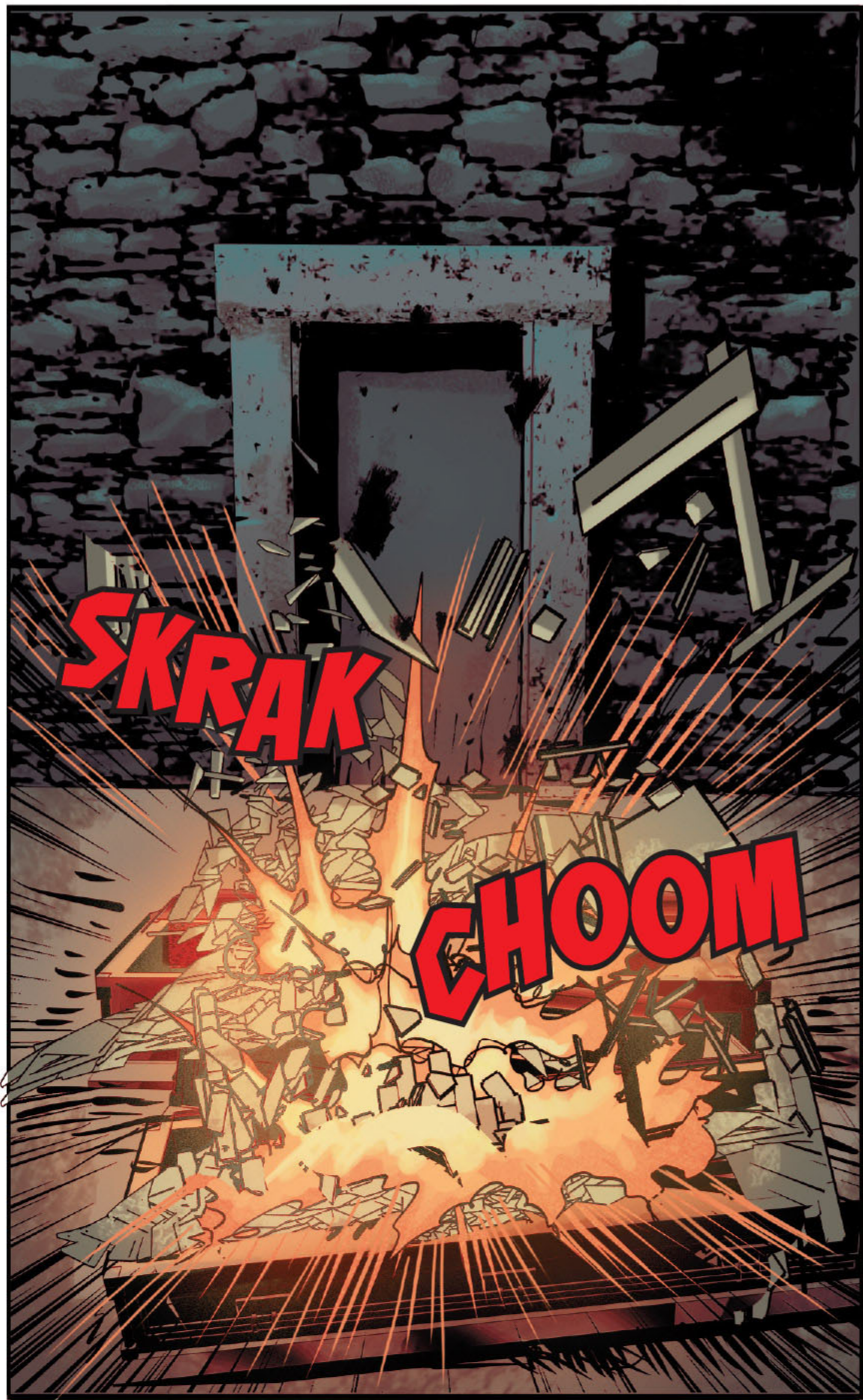
می خوام
بدونم چقدر فشار و
به کجا باید وارد
کنم.



قبل از
اینکه من برم.
یه هدیه برای اون
زن مرده عزادار
دارم.
اگرچه تو منو رد
کردی، ولی من
خانواده تو رو
بهت برمی گردونم
فرنگ کسل.



بعداً
می فهمی
چطور ازم تشکر
کنی.







چی...؟



آآآآ...
مممپه!



مممپه!



اووه، تو
باهوشی
هوگان...؟

...ولی
باحال
نیستی.



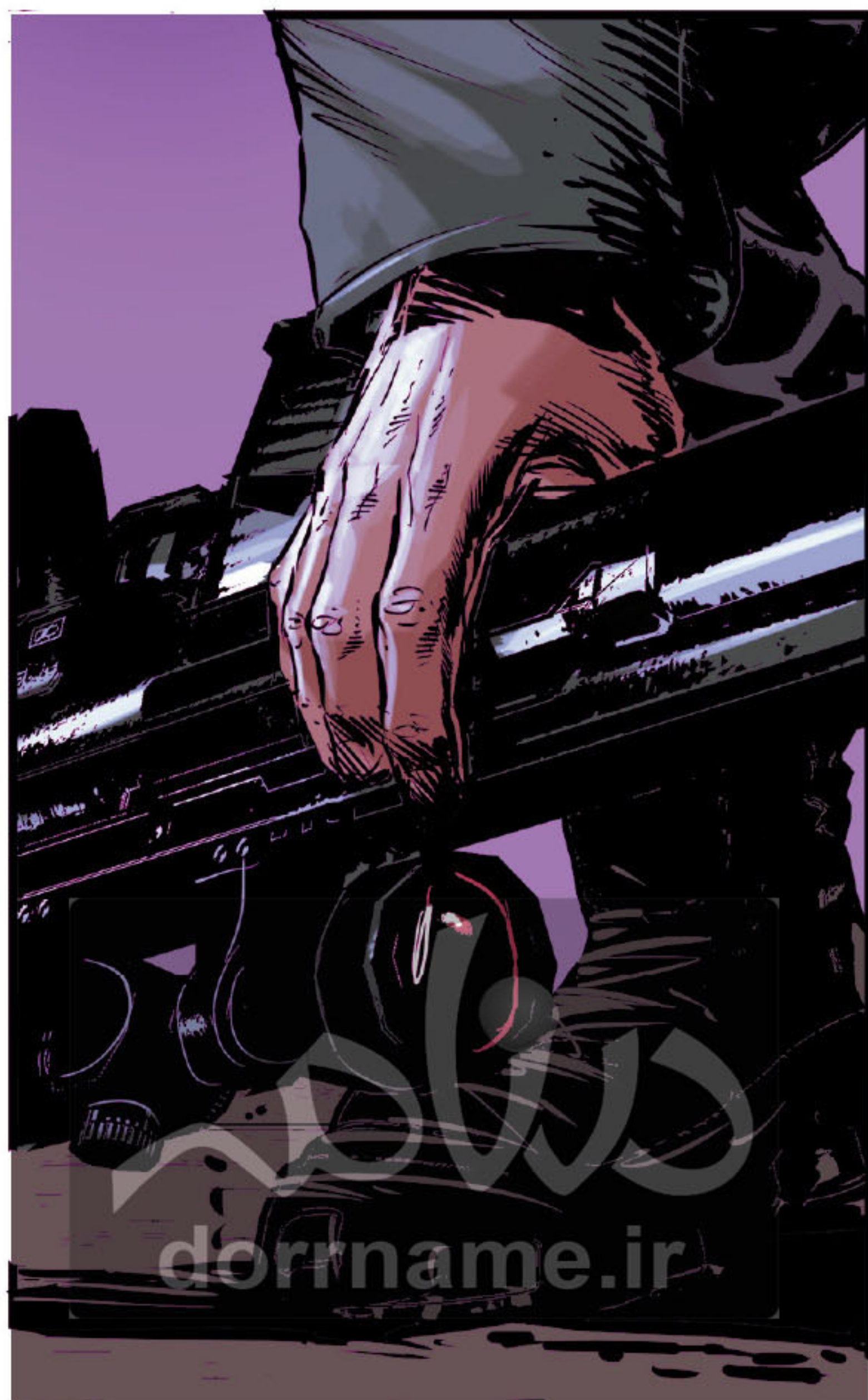
شما اسکین واکر
اکسولتان هستید.



فقط به بار امثال شما رو
دیدم... و می دونم وقتی
پنجه هاتونو تو قلب کسی فرو
کنید، هرگز رها نمی کنید.



از اون
جسم ها بیایید بیرون...
اونها به شما تعلق ندارن.





کار خوبی نبود.

ما به سلاحش نیاز داریم.



فکر کنم راست می‌گی. !#@\$.



مواظب باشید. این هیولا هر چی می‌خوره... بزرگتر می‌شه!

GAAR
RGH!

SKREEEK!

خدای
مغز استخوان
از یک خلا فضایی
آمده. او
اومده تا آنقدر
بخورد که زمین
به تکه صخره ای
بی جان تبدیل
شود. ولی چیز
دیگری هم فریاد
سیمپوت متصل
به کونان را
شنیده.

الکترا...
انتقام جویان رو به اینجا
بیار... الان!

ممکنه مشکل
دیگه ای داشته
باشیم...

SKREEEK!

تشعشعات
کیمانی که خدای
مغز استخوان جذب
کرده ونوم را به
وحشی ترین فرم
آن تبدیل کرده...

بزودی مخلوقی که از
کمر بند وان آلن آمده بقدری
بزرگ می شود که شروع
به تکثیر خواهد کرد.

که در آن نقطه
زمین از دست خواهد
رفت.

SKREEEAK!



این موجود
گیر افتاده بود!

من
آزادش
کردم!



اون
داره از حیات
کمی که براش باقی
مونده داره برای ترمیم
زخم های بدن تو
استفاده می کنه.



اگه این
درست باشه... پس
اراده کرام در قالب
این جن خودشو
نشان داده.



کرام
کیه؟!

یه شوالیه
فضایی بود، درسته؟

به هر حال،
اون شمشیر با
من میاد.

مگه از
روی نعش من
رد بشی!



هیچکس وقت رجز خونی
قهرمانانه شما رو
نداره.

هر دو شما
یه لباس برای
مهمونی پوشیدید.
تمومش کنید.

خدای
مغز استخوان
خیلی بزرگ شده.
نمی تونم انتقالش
بدم...

...ولی
ونوم، لوگان و
کونان ثابت کردند
که می شه بهش صدمه
زد.

حالا وقتشه
که بکشیمش.

بعد
می ریم سراغ
گات.

کسی جز
من اونو
نمی کشه.

یک بربر، یک آدمکش، یک جادوگر به همراه سه نفر از مرگبارترین جنگجویان زنده. هر کدام از مسیری متفاوت به این جنگ قدم گذاشته اند. سرنوشت تمدن، به مخاطره افتاده. و هر کدام از آنها زنده بماند کولان گات از آنها پذیرایی خواهد کرد.

ادامه دارد!

N
E
F
F
E
X
T

دورنامه

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی